# بررسی واحدهای زبر زنجیری گفتار

**مرتضی شوشتری**
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر دبیرستان‌های کرج

**چکیده**
زبان‌شناسان پرداختن به قرائت صحیح بر پایهٔ واحدهای زبر زنجیری گفتار (تکیه، آهنگ، مکث) را از اهداف کلیدی آموزش زبان پارسی می‌دانند. بدیهی است واحدهای زبر زنجیری به عنوان مکمل واحدهای زنجیره‌ای کلام، در قرائت صحیح و متعاقب آن درک متون نقش اساسی دارند. نظر به این مهم، نگارندهٔ این سطور بر آن است با تشریح مبانی فوق و ارائهٔ الگویی مناسب در این خصوص، از خرمن سرسبز ادب پارسی دامنی گل تقدیم اصحاب فضل و ادب کند. امید که مقبول طبع نازک اندیشان و اصحاب خرد واقع گردد.

**کلید واژه‌ها:**
واحدهای زنجیره‌ای، زبر زنجیری، تکیه، آهنگ، درنگ (مکث).

آهنگ: در تبیین و تشریح آهنگ و ماهیت آن آورده‌اند که «آهنگ عبارت است از تغییراتی که در زیر و بمی صدا در گفتار پیوسته – جمله – رخ می‌دهد.
ماهیت آهنگ جنبهٔ فیزیکی دارد. بالا رفتنش مربوط به افزایش تدریجی کشش تار آواهاست که با شروع سخن همراه است و پایین آمدنش موجب شل شدن کامل تار آواها می‌شود و هم‌زمان با پایان یافتن سخن است. نقش اصلی آهنگ گفتار در زبان‌های نواخت‌دار ظاهر می‌شود اما در زبان‌هایی چون فارسی و انگلیسی، نقش آن تنها بیان دید گوینده است؛ زیرا به وسیلهٔ این تغییرات زیر و بمی، می‌توان جملهٔ خبری را به جملهٔ سؤالی یا امری مبدل کرد. همچنین، به این وسیله می‌توان احساس‌های مختلف از قبیل تعصب یا خشم و رضایت را بیان نمود. آهنگ در جمله موجب پدید آمدن معنی ضمنی ویژه‌ای برای آن جمله می‌شود؛ یعنی، اگر زنجیرهٔ یکسانی از واژه‌ها، که صورت نحوی جمله‌ای درست را دارد، با چند آهنگ متفاوت گفته شود، هر آهنگ خاص معنی ضمنی ویژه‌ای به همراه خواهد داشت.
آهنگ خصوصیتی است که مربوط به قرارداد یک زبان نیست، بلکه زاییدهٔ ساختمان طبیعی تن و روان همهٔ انسان‌هاست. آهنگ در زبان‌ها متفاوت بوده و یکی از مشخصه‌های اصلی هر زبان است.»

نشانه‌های آهنگ‌نما: «روش‌های گوناگونی برای ثبت آهنگ گفتار وجود دارد. در یکی از روش‌ها، با قرار دادن نشانه‌های آهنگ‌نما در خط معمولی با خط فونتیک، آهنگ را نشان می‌دهند. نشانه‌های آهنگ‌نما عبارت‌اند از: (↘) نشانهٔ افتان، (↖) نشانهٔ خیزان، (↘↗) نشانهٔ خیزان – افتان، (↘↗↘) نشانهٔ افتان – خیزان – افتان)، (↗↘↗) نشانهٔ خیزان – افتان – خیزان است».

## جایگاه آهنگ در نثر فارسی

**– پرسشی کردن جمله:**
این عمل به دو طریق انجام می‌گیرد:
۱. پرسشی کردن واژه‌های پرسشی؛ مانند: آیا حسین را دیدی؟
در نثر امروز معمولاً یک کلمهٔ پرسشی در جمله می‌آید نه بیشتر. آهنگ این نوع جملات خیزان است و جواب این نوع پرسش‌ها اغلب «آری» یا «نه» است. مانند: حسن را دیدی؟ آری.
در جملهٔ امری، هر جمله را می‌توان با کلمات پرسشی مانند آیا، چرا، چگونه، به صورت پرسشی درآورد.
۲. پرسش کردن با آهنگ؛ مانند: «نرفتی؟»
یا «باز هم درس نخواندی؟»

## جایگاه آهنگ در نظم فارسی

موسیقی یا آهنگ شعر دامنهٔ پهناوری دارد. از آنجا که دامنهٔ هنر به معنای اعم و موسیقی به معنای اخص در ذات و فطرت آدمی نهفته است، می‌توان گفت عواملی که آدمی را به جست‌وجوی موسیقی کشانده‌اند، همان کشش‌هایی هستند که او را به سخن گفتن وا داشته‌اند. این پیوند مبارک موسیقی و شعر تأثیرات چشمگیری بر حوزه قرائت نظم و نثر گذاشته است که به برخی از آن‌ها از زبان استاد شفیعی کدکنی می‌پردازیم.
«۱. لذت موسیقایی به وجود می‌آورد و این در طبیعت آدمی است که خواه ناخواه از آن لذت می‌برد. از طرف دیگر، زبان

عاطفه همیشـــه موزون اســـت؛ زیرا آدمی در انفعالات روحی، تکیه‌ها و ترجیح‌هایی دارد که آهنگشان متفاوت است.
۲. میزان ضربه‌ها و جنبش‌ها را منظم می‌کند.
۳. به کلمات خاص هر شـــعر تأکید می‌بخشد و امتیازی از نظر کشش کلمات ایجاد می‌کند.»
آنچـــه در فرایند قرائت نظم در زبان پارســـی اهمیت دارد، در دو حوزهٔ موســـیقی بیرونی و موســـیقی درونی قابل تحلیل و بررسی است.
موســـیقی بیرونی، کـــه همان وزن عروضی اســـت، براســـاس کشـــش‌ها و تکیه‌ها به وجود می‌آید. اســـتاد شفیعی در حوزهٔ گروه موسیقایی، که زبان شعر را از زبان روزمره به اعتبار آهنگ و توازن امتیاز می‌بخشـــند، آورده‌اند: «وقتی مجموعهٔ آوایی به لحـــاظ کوتاه و بلندی مصوت‌ها یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها از نظام خاصی برخوردار باشند، نوعی موسیقی به وجود می‌آید کـــه آن را وزن می‌نامیـــم و اهل هر زبانی وزن شـــعر خود را در تناسب‌هایی خاص احساس می‌کنند که اهل زبان دیگر ممکن است آن تناسب را احساس نکنند.»
دیگر مجموعهٔ آوایی از این رهگذر، قافیه است که به تعبیر استاد شفیعی «صامت‌ها و مصوت‌هایی هستند که در وسط یا آخر و حتی اول قســـمت می‌توانند تناســـب دیگری هم داشته باشند که خود صورت دیگری از موســـیقی شعر اســـت و آن را قافیه می‌خوانیم.»
ردیف از نظر ایشان تکمیل موسیقی قافیه است یا شکل غنی‌تر شـــدهٔ قافیه. علاوه بر این‌ها، اگر صامت‌ها و مصوت‌ها به تناسب خاص تکرار شـــوند، خود جلوهٔ دیگری از موســـیقی را به وجود می‌آورند که پیشـــینیان در مبحث جناس‌هـــا به تفصیل از آن سخن گفته‌اند.
نکتهٔ اخیر همان موسیقی درونی است که از هماهنگی و نسبت ترکیبـــی کلمات و طنین خاص هر حرف در مجاورت با حروف دیگر به وجود می‌آید.

## درنگ

درنگ، توقفی کوتاه در زنجیرهٔ گفتار است که ممکن است برای دم فرو بردن، تأکید یا پرهیز از آمیختگی واژه‌های پیاپی باشد. بررسی گفتار از لحاظ درنگ نشان‌دهندهٔ آن است که حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از گفتارهای خلق‌الساعه را سکوت یا درنگ تشکیل می‌دهد. هر چند که این نســـبت به نظر شنونده به این زیادی نیست؛ چون انســـان به قدری سرگرم شنیدن موضوعات مورد گفت‌وگوست که به سکوت‌های بین گفتار کمتر توجه دارد.
درنگ‌های گفتار بر دو نوع اســـت: ۱. درنگ تنفســـی، ۲. درنگ تأملی.

### ۱. درنگ تنفسی

درنگ‌ها در زنجیرهٔ گفتار در حالی که نسبتاً روشن هستند اما تعداد وقوعشان کم اســـت؛ زیرا هنگام حرف زدن میزان تنفس کاهش پیدا می‌کند و فقط ۰/۰۵ از خلأهای بین گفتار را درنگ تشـــکیل می‌دهد. درنگ‌های تنفســـی معمولاً در مرزها یا مقاطع دستوری بین جمله پیش می‌آیند؛ هرچند این امر چندان الزامی هم نیست.

### درنگ تأملی

از این نوع درنگ‌ها به نکات بیشـــتری می‌توان دست یافت؛ زیرا تعداد آن‌ها در گفتار زیاد اســـت و برخلاف درنگ‌های تنفســـی که برای رســـاندن هوا به شش‌ها صورت می‌گیرند، این درنگ‌ها هیچ‌گونه هدف فیزیولوژیکی را دنبال نمی‌کنند. درنگ‌های تأملی معمولاً بین یک سوم تا نصف زمان گفتار انسان را اشغال می‌کنند. گفتاری که فاقد این نوع درنگ است، یا قبلاً تمرین شده است یا گویندهٔ آن یک مشت عبارات را از روی عادت تکیه می‌کند.
همگی زبان‌شناسان بر این نکته توافق دارند که گوینده معمولاً بین بندهای جملات، درنـــگ تأملی نمی‌کند بلکه درون آن‌ها «درنگ» می‌نماید.

**دنباله مطلب در وبگاه نشریه**

آهنگ در جمله موجب پدید آمدن معنی ضمنی ویژه‌ای برای آن جمله می‌شود؛ یعنی، اگر زنجیرهٔ یکسانی از واژه‌ها، که صورت نحوی جمله‌ای درست را دارد، با چند آهنگ متفاوت گفته شود، هر آهنگ خاص معنی ضمنی ویژه‌ای به همراه خواهد داشت